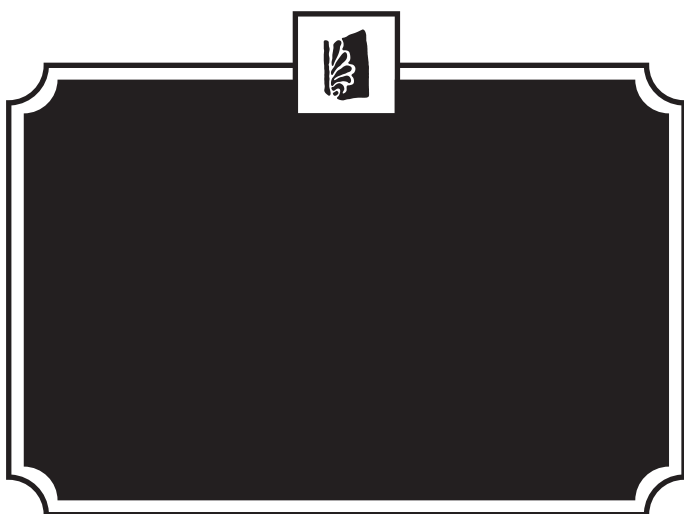




نشر بیگل
Bidgol Publishing



- سرشناسه: آرت، هانا، ۱۹۷۵-۱۹۰۶م. Arendt, Hannah, 1906-1975
- عنوان و نام پدیدآور: درس گفتارهایی در باب فلسفه سیاسی کانت/ هانا آرت؛ ترجمه مریم خدادادی
- مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۴۰۵
- مشخصات ظاهری: ۱۶۰ص؛ ۲۰×۱۲ س.م.
- فروست: مجموعه به روایت فیلسوف/ زیرنظر مسعود علیا
- شابک: ۹-۱۸۹-۳۱۳-۶۲۲-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی: Lectures on Kant's Political Philosophy, c1982
- یادداشت: کتاب حاضر با عنوان های متفاوت توسط مترجمان مختلف در سال های متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
- موضوع: کانت، ایمانوئل، ۱۸۰۴-۱۷۲۴م
- موضوع: Kant, Immanuel
- شناسه افزوده: خدادادی، مریم. - ۱۳۶۳، مترجم
- شناسه افزوده: علیا، مسعود، - ۱۳۵۴
- رده بندی کنگره: JC۱۸۱
- رده بندی دیویی: ۳۲/۰۱۰۹۲۴
- شماره کتاب شناسی ملی: ۱۰۰۳۸۱۴۴



درس‌گفتارهایی در باب
فلسفهٔ سیاسی کانت

| هانا آرنت | مریم خدادادی |

LECTURES ON
KANT'S POLITICAL PHILOSOPHY
| Hannah Arendt | Maryam Khodadadi |

به روایت فیلسوف

- ۱۱ -

مجموعه
به روایت فیلسوف
زیرنظر مسعود علیا

درس گفتارهایی در باب فلسفه سیاسی کانت

هانا آرنت

ترجمه مریم خدادادی

نسخه پروازی: فاطمه نادری

طراح یونیفرم: سیاوش تصاعدیان

طراح جلد: محیا زاد

صفحه آرایی: نرگس نیک زاد

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول، تابستان ۱۴۰۵ تهران، ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹-۱۸۹-۳۱۳-۶۲۲-۹۷۸

تلفن: انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |  Bidgol Publishing co. | نشر بیگل

تلفن: انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷
فروشگاه تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴

تلفن: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

فروشگاه بابلرس، مجتمع تجاری میزبان، طبقه دوم

تلفن: ۰۱۱-۳۵۵۵۷۹۵۲

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	بعدالتحریر اندیشیدن
۱۷	درس گفتارهایی در باب فلسفهٔ سیاسی کانت
۱۹	جلسهٔ اول
۲۵	جلسهٔ دوم
۳۵	جلسهٔ سوم
۴۵	جلسهٔ چهارم
۵۳	جلسهٔ پنجم
۶۳	جلسهٔ ششم
۷۵	جلسهٔ هفتم
۸۵	جلسهٔ هشتم
۹۵	جلسهٔ نهم
۱۰۷	جلسهٔ دهم
۱۱۷	جلسهٔ یازدهم
۱۲۳	جلسهٔ دوازدهم
۱۳۱	جلسهٔ سیزدهم
۱۴۱	تخیل
۱۵۱	یادداشت‌ها

پیشگفتار

عمر هانا آرنت به نگارشِ «حکم کردن» قد نداد، نوشته‌ای که قرار بود سومین و آخرین بخش کتاب حیات ذهن^۱ او باشد. بااین حال، اصحاب تحقیق درباره‌ اندیشه آرنت دلایل زیادی دارند تا باور کنند این بخش، اگر نوشته می‌شد، اوج دستاورد او می‌بود. هدف کتاب حاضر گردآوری مهم‌ترین متون موجود از آرنت درباره‌ این موضوع مهم است. بدیهی است که این متون نمی‌توانند جای آن اثر نوشته‌نشده را بگیرند، اما به گمان من می‌توانند سرنخ‌هایی درباره‌ جهت‌گیری احتمالی اندیشه هانا آرنت در این حوزه به ما بدهند، به‌ویژه اگر به این متون در بستر کلی کار او بنگریم. در مقاله تفسیری ام امیدوار بوده‌ام نشان دهم که واقعاً می‌توان مطلب منسجمی از این متون استخراج کرد و نیز امید داشته‌ام که درکی از اهمیت این متون به خوانندگان بدهم. بازسازی نظورزانه من ادعایی فراتر از این ندارد.^۲

متن اول بعدالتحریر آرنت بر مجلد اول حیات ذهن است. این متن پیش‌درآمدی است بر «حکم کردن»، زیرا طرح مختصری از آن اثر

1. *The Life of the Mind*

۲. مترجم از برگرداندن این مقاله به فارسی صرف‌نظر کرده است.

پیش‌بینی شده به دست می‌دهد و به درون مایه‌های اساسی و مقصود کلی اشاره می‌کند. (بعدالتحریر، آخرین فصل اندیشیدن، نقطه گذاری است میان دو مجلد حیات ذهن، و موضوعات اصلی‌ای را اعلام می‌کند که قرار بوده در مجلد دوم به آنها پرداخته شود.) «درس‌گفتارهایی درباره فلسفه سیاسی کانت»، بخش اصلی مجلد حاضر، شرحی است بر نوشته‌های زیبایی‌شناسانه و سیاسی کانت که قرار است نشان دهند نقد قوه حکم مشتمل است بر کلیات فلسفه سیاسی نیرومند و مهمی که خود کانت صریحاً شرح و بسطش نداده است (و شاید کاملاً به آن آگاه نبوده است) اما می‌تواند بزرگ‌ترین میراث او برای فیلسوفان سیاسی باشد. هانا آرنست این «درس‌گفتارهای کانت» را اولین بار در ترم پاییز ۱۹۷۰ در مدرسه جدید پژوهش‌های اجتماعی ایراد کرد. این درس‌گفتارها را اولین بار در سال ۱۹۶۴ در دانشگاه شیکاگو ایراد کرده بود، و مطالب مربوط به حکم کردن در درس‌گفتارهای فلسفه اخلاق او در شیکاگو و مدرسه جدید در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ نیز آمده است. در ترم بهار ۱۹۷۶ هم قرار بود یک بار دیگر نقد قوه حکم را در مدرسه جدید تدریس کند، اما مرگش در دسامبر ۱۹۷۵ فرارسید. یادداشت‌های مربوط به «تخیل» برگرفته از سمیناری درباره نقد قوه حکم در مدرسه جدیدند که متعلق است به همان ترمی که «درس‌گفتارهای کانت» در سال ۱۹۷۰ ایراد شد. (آرنست معمولاً هم‌زمان با درس‌گفتارهایش سمینارهایی درباره موضوعاتی بسیار مرتبط برگزار می‌کرد تا با عمق بیشتری برخی ایده‌ها را بکاود.) این یادداشت‌های مربوط به سمینار به شرح و بسط «درس‌گفتارهای کانت» کمک می‌کنند، زیرا نشان می‌دهند که انگاره اعتبار نمونه‌وار که در نقد سوم مطرح می‌شود و آموزه

1. The New School for Social Research
2. exemplary validity

شاکله‌سازی^۱ در نقد اول به واسطه نقش تخیل باهم پیوند دارند، تخیلی که برای هردوی اینها اساسی است و شاکله‌های شناخت و مثال‌های حکم را فراهم می‌آورد.

هدف من این بوده که منتخبی هرچه کامل‌تر از متونی فراهم کنم که خوانندگان برای پیدا کردن دریچه‌ای به روی تأملات در حال شکل‌گیری هانا آرنت درباره حکم دادن به آنها نیاز دارند. سایر مطالب موجود درس‌گفتارها کنار گذاشته شده‌اند، زیرا یا تکراری بوده‌اند، آنجا که دیدگاه‌های آرنت تغییر نکرده، یا ناسازگار بوده‌اند، آنجا که دیدگاه‌هایش فراتر از دیدگاه‌های بیان‌شده در طرح‌های اولیه شرح و بسط یافته است. البته من در شرح از این مطالب، در جایی که مربوط بوده‌اند، نیز بهره گرفته‌ام.

نوشته‌هایی که در این مجلد گردآوری شده‌اند عمدتاً یادداشت‌های درس‌گفتارهای آرنت‌اند که هرگز قرار نبوده منتشر شوند. اگرچه در جاهایی که ظاهراً عبارات یا علائم نقطه‌گذاری‌ها نادرست بوده‌اند یا چنان‌که باید و شاید واضح نبوده‌اند تصرفاتی صورت گرفته، اصل مطلب تغییری نکرده و شکل اولیه مطالب به‌عنوان یادداشت‌هایی برای درس‌گفتار حفظ شده است. به این ترتیب مندرجات این مجلد را به‌هیچ‌وجه نباید با نوشته‌های نهایی اشتباه گرفت. اینها صرفاً از آن رو در اختیار مخاطبان قرار گرفته‌اند تا دسترسی به اندیشه‌هایی فراهم شود که اهمیتی چشمگیر دارند — اندیشه‌هایی که عمر نویسنده قنداد تا طبق قصد خودش شرح و بسطشان بدهد.

ارجاعات آرنت به منابع در یادداشت‌های درس‌گفتار و سمینار در بیشتر موارد نسبتاً مجمل و بعضی از آنها کاملاً اشتباه‌اند. بنابراین مسئولیت یادداشت‌های همراه با متون آرنت تماماً بر عهده من است.

عمیقاً وام‌دار مری مک‌کارتی هستم به خاطر کمک همیشگی و محبت بی‌دریغش. بدون اینها تدارک این مجلد ممکن نمی‌بود. همچنین، مدیون کارکنان بخش دست‌نوشته‌های کتابخانه کنگره‌ام که همکاری سودمندی نشان دادند.

رونالد بینر



بعدالتحریر اندیشیدن

از کتاب حیات ذهن، جلد اول

در جلد دوم این اثر [حیات ذهن]^۱ به اراده کردن^۲ و حکم کردن خواهیم پرداخت، آن دو فعالیت ذهنی دیگر. این دو، اگر از منظر این نظورری‌های زمانی نگریسته شوند، به موضوعاتی مربوط می‌شوند که غایب‌اند، یا از این رو که هنوز وجود ندارند یا از آن رو که دیگر وجود ندارند، اما در تقابل با فعالیت اندیشیدن، که با نادیدنی‌های هر تجربه‌ای سروکار دارد و همیشه متمایل به تعمیم دادن است، اراده کردن و حکم کردن همیشه با جزئی‌ها سروکار دارند و از این جهت به جهان ظهورات^۳ بسیار نزدیک‌ترند. اگر بخواهیم فهم عرفی مان را راضی کنیم، فهمی که از نیاز عقل به پیگیری جست‌وجوی بی‌هدف معنا به شدت آزاده می‌شود، و سوسه‌برانگیز است که این نیاز را صرفاً بر این مبنا توجیه کنیم که اندیشیدن تمهیدی است ناگزیر برای قضاوت درباره آنچه خواهد بود و برای ارزیابی آنچه دیگر نیست. از آنجا که گذشته، از این حیث که گذشته است، موضوع حکم ما قرار می‌گیرد، حکم کردن نیز صرفاً تمهیدی است برای اراده کردن. بی‌تردید

۱. برای تفکیک افزوده‌های گردآورنده کتاب از افزوده‌های مترجم، در مورد اول نشانه قلاب به کار رفته است و در مورد دوم نشانه آکولاد.

2. willing

3. world of appearances

این منظرِ انسان است — و در حد معقول، منظری موجه — تا آنجا که او موجودی کنشگر است.

اما این تلاش آخر برای دفاع از فعالیت اندیشیدن در برابر این انتقاد که غیرعملی و بی‌فایده است، تلاشی کارساز نیست. تصمیمی که اراده به آن می‌رسد هرگز نمی‌تواند از سازوکار میل^۱ بریاید یا از تأملات عقل که ممکن است مقدم بر آن باشد. اراده یا آلتی است برای خودانگیختگی آزاد که همهٔ زنجیره‌های علّی انگیزش را مختل می‌کند، زنجیره‌هایی که بر آن قیدوبند می‌زنند، یا چیزی جز توهم نیست. اراده در نسبت با میل، از یک سو، و در نسبت با عقل، از سوی دیگر، چنان که برگسون در جایی گفته، همچون «نوعی کودتا» عمل می‌کند، و البته لازمهٔ این سخن آن است که «کنش‌های آزاد استثنایند»: «هرچند آزادیم که هر وقت اراده کردیم نزد خودمان برگردیم، به‌ندرت پیش می‌آید که اراده کنیم.» [۱] به عبارت دیگر، پرداختن به فعالیت اراده کردن بدون اشاره به مسئلهٔ آزادی ناممکن است.

[در اینجا سه بند از متن اصلی که مربوط می‌شوند به تبیین اراده کردن در جلد دوم حیات ذهن، حذف شده‌اند.]

جلد دوم را با تحلیلی از قوهٔ حکم به پایان خواهیم برد، و در اینجا مشکل اصلی کمبود غریب منابعی است که گواهی موثقی به دست می‌دهند. تا زمان نقد قوهٔ حکم کانت این قوه موضوع مهمی برای هیچ متفکر مهمی نبوده است.

نشان خواهیم داد که فرض اصلی خودم در جدا کردن حکم به عنوان یکی از قابلیت‌های متمایز ذهنمان این بوده که نه از طریق قیاس^۲ و نه

1. desire

2. deduction

از طریق استقرا^۱ به حکم نمی‌رسیم؛ خلاصه، احکام هیچ وجه اشتراکی با عملیات منطقی ندارند — مثل وقتی که می‌گوییم: همهٔ انسان‌ها فانی‌اند، سقراط انسان است، پس سقراط فانی است. باید در جست‌وجوی «حس خاموش»^۲ باشیم، حسی که — وقتی اساساً به آن پرداخته‌اند — همیشه، حتی نزد کانت، «ذوق»^۳ قلمداد شده و، در نتیجه، آن را متعلق به قلمرو زیبایی‌شناسی^۴ دانسته‌اند. در امور عملی و اخلاقی به آن «وجدان»^۵ می‌گفتند، و وجدان حکم صادر نمی‌کند؛ بلکه به عنوان ندای قدسی خدا یا عقل به شما می‌گوید چه کنید، چه نکنید، و از چه چیزی پیشیمان باشید. فارغ از اینکه ندای وجدان چه باشد، نمی‌توان آن را «خاموش» دانست، و اعتبار آن تماماً وابسته به مرجعیتی است فرا و ورای همهٔ قوانین و قواعد صرفاً بشری.

نزد کانت، حکم به صورت «استعدادی خاص که صرفاً قابل کاربست است و قابل تعلیم نیست» مطرح می‌شود. حکم با جزئی‌ها سروکار دارد، و وقتی ایگوی اندیشنده که در میان امور عام حرکت می‌کند از کنج خلوتش خارج می‌شود و به جهان ظهورات جزئی برمی‌گردد، معلوم می‌شود که ذهن برای پرداختن به آنها نیازمند «موهبت» تازه‌ای است. کانت معتقد بود که «شخص ابله یا کوتاه‌فکر... در واقع می‌تواند از طریق مطالعه تربیت شود، حتی تا درجهٔ فاضل شدن. اما از آنجا که چنین کسانی معمولاً همچنان فاقد {توانایی} حکم خواهند بود، نامعمول نیست که با انسان‌های فاضلی برخورد کنیم که در کاربست دانش علمی‌شان آن کمبود اولیه را نشان می‌دهند، کمبودی که هرگز نمی‌تواند جبران

1. induction
2. silent sense
3. taste
4. aesthetics
5. conscience

شود».[۲] نزد کانت، عقل با «ایده‌های تنظیمی» خویش است که به کمک حکم می‌آید؛ اما اگر این قوه از سایر قوای ذهن جدا باشد، آنگاه باید شیوه کار خاص خودش را به آن نسبت دهیم، آن نحوه‌ای که خودش پیش می‌رود.

و این به مجموعه‌ای از مسائل که اندیشه مدرن را به خودش مشغول کرده بی‌ربط نیست، به‌ویژه مسئله نظر و عمل و همه تلاش‌ها برای رسیدن به نظریه‌ای درباره اخلاق که نسبتاً پذیرفتنی باشد. از زمان هگل و مارکس، از منظر تاریخ به این مسائل پرداخته می‌شده، آن‌هم براساس این فرض که چیزی تحت عنوان پیشرفت نژاد بشر در کار است. نهایتاً ما می‌مانیم و تنها انتخابی که در این موضوعات وجود دارد. یا می‌توانیم مثل هگل بگوییم: تاریخ جهان محکمۀ جهان است^۱، و حکم نهایی را به پیروزی موکول کنیم، یا می‌توانیم همراه با کانت به خودآینی ذهن بشر و استقلال ممکن آن از چیزها چنان‌که هستند یا چنان‌که به وجود آمده‌اند معتقد باشیم.

در اینجا ناگزیر با مفهوم تاریخ (history) سروکار پیدا می‌کنیم، که البته اولین بارمان نیست،[۳] اما شاید بتوانیم درباره کهن‌ترین معنای این واژه تأمل کنیم، واژه‌ای که، مثل بسیاری اصطلاحات دیگر در قاموس سیاسی و فلسفی ما، ریشه یونانی دارد و از historein گرفته شده است، یعنی «کندوکاو برای اینکه بگوییم چگونه بوده است» — نزد هرودوت legein ta eonta {گفتن آنچه هست}. اما منشأ این فعل هومراست (ایلیاد، فصل هجدهم) جایی که اسم histōr (به عبارتی، «مورخ») ظاهر می‌شود، و مورخ هومری حاکم {یا حکم‌دهنده یا قاضی} است. اگر حکم قوه‌ای در ما باشد برای پرداختن به گذشته، مورخ انسان جست‌وجوگری

1. modus operandi

2. Die Weltgeschichte ist das Weltgericht

است که با نقل گذشته بر مسند حکم کردن دربارهٔ آن می‌نشیند. اگر چنین باشد، می‌توانیم کرامت انسانی‌مان را از شبه‌خدای موسوم به تاریخ عصر مدرن پس بگیریم و به تعبیری دوباره به دست بیاوریم، بی‌آنکه منکر اهمیت تاریخ شویم اما استحقاق آن برای حاکم نهایی بودن را انکار کنیم. کاتوی مہین^۱، که این تأملات را با او شروع کردم — «لحظاتی که کمترین حس تنهایی را دارم وقتی است که با خود خلوت می‌کنم و پرکارترین حالت‌م وقتی است که هیچ کاری نمی‌کنم» — عبارت غریبی برای ما باقی گذاشته است که تلخیص شایسته‌ای است از اصل سیاسی نهفته در کارستان بازپس‌گیری. او گفته است: «*Victrix causa deis*» (placuit, sed victa Catoni) «آرمان پیروز خدایان را خشنود می‌کرد، اما آرمان مغلوب کاتو را خشنود می‌سازد».

